



معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۳ | ۸ آبان ۱۳۹۹

نوجوان
بازار



احمد قجاوند

کابوسی به نام بهترین نبودن!



هیوونا هرکدوم برای ما آدم‌نماد به رفتار به خصوص. مثلا اسب رومی گیم نجیب، سگومی گیم وفادار، کرگدن نماد سرسختیه، قونماد زیباییه و روباه هم نماد فریبکاری یا باهوش بودن! شما هر وقت به پویانمایی دیدید که توش حیوون هست، بدونید هرکدوم از اون حیوونا نمادی از رفتارهای ما آدم‌ها هستن و از این طریق پیام داستان رو می‌خوان پشت ظاهرش پنهان کنن! به ضرب المثل که دقیقا نمیدونم مال کجاس میگه برای موفقیت باید توی هرکاری که هستی بهترین باشی!

حالا این کار می‌تونه درس خوندن برای گرفتن نمره باشه، می‌تونه هک کردن دوربین مدار بسته مدرسه باشه و می‌تونه هر چیزی که تو فکرشو می‌کنی باشه! (حالا لازم نیست به هر چیزی هم فکر بکنی!) حالا به وقت هست که توبه خاطر کم کردن روی برویج و فک و فامیل سعی می‌کنی بهترین باشی تا دیگه نتونن با فلانی مقایسه کنن، به وقت هست که حرص و طمع باعث میشه بهترین باشی که این دومیه ممکنه نتیجه بده ولی احتمالا مجبورت میکنه که خیلی از کارایی رو که نباید انجام بدی و اینجاست که داستان خطرناک میشه!

ما اینجا به «آقای روباه شگفت‌انگیز» داریم که هم خیلی ژینگول و خوش‌تیپ و باهوشه و هم نهایت سعیشو میکنه تا توی هر چیزی بهترین باشه؛ مخصوصا دزدی کردن! چون اینقدر حریصه که نمی‌تونه دست از آرزوهاش بکشه و برای رسیدن بهشون مجبور میشه حتی با آدم‌ها هم بجنگه و برای جنگیدن با آدم‌ها باید بهترین نقشه‌ای رو که می‌تونه طراحی کنه! درباره «وس اندرسن» یعنی کارگردان این انیمیشن هم بهتون بگم که دقیقا دوس داره همیشه کارهاش بهترین باشه چه از نظر داستان و محتوا و درونمایه و چه از نظر فنی. در عین حال که کلی حرف پشت؛ دونه دونه دیالوگ‌ها و شخصیت‌های کارهاش وجود داره، همه اونا رو در نهایت سادگی بیان میکنه!

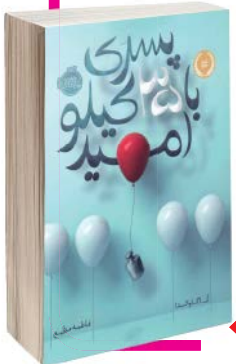
۳۵ کیلو امیدواری!



قطعا خیلی برات پیش اومده که به توانایی باحال و مخصوص به خودت داشتی ولی فهمیدی که اصلا توی مدرسه به درد نمی‌خوره. بعد با خودت گفتی شاید من غیر عادی‌ام و باید مثل بقیه باشم ولی باز هرکاری کردی دیدی نمی‌تونی قیدشوبزنی. اصن انگار کلمه نوجوون گره خورده با کلی لنگ در هوایی و سردرگمی، انگار قرار نیست بفهمی با خودت چندچندی و از کجا اومدی و قراره کجا پیاده بشی. اصن انگار نوجوون باید همین جوری بین کودکی و جوونی علاف بمونه تا حالا ببینیم چیکار میشه براش کرد!

مثلا یکی هست که با به سوزن ته‌گرد می‌تونه به کامپیوتر تو باز کنه و دوباره از نو سرهمش کنه. ولی خب این توانایی خیلی به درد نمره آوردن توی درس شیمی نمی‌خوره یا مثلا یکی هست مثل گریگوری توی داستان ما که ۳۵ کیلو وزنشه و هر چیزی رو می‌تونه با دستای تند و تیزش تعمیر کنه یا کلی چیزای جدید درست کنه ولی این توانایی هم به درد نمره گرفتن توی درسای مدرسه نمی‌خوره و در نتیجه توی بعضی از کلاساش درجا می‌زنه!

این قصه مشترک خیلی از ماها س، اصن انگار نویسنده یعنی آنا گاولد از روی داستان زندگی ماها کتاب «پسری با ۳۵ کیلو امید» رو نوشته و بعضی جاشا هم اومده از خودمون سوال کرده و دقیقا همونا رو توی کتابش آورده! نمی‌دونم آگه تو توی این داستان بودی چیکار می‌کردی ولی گریگوری تصمیمی گرفت که شاید هرکسی جسارت انجام دادنش رو نداشته باشه.



دیده شدن به هر قیمت!



اصن ز گهواره تا گور فقط دیده شو! حالا الان که اینستاگرام و داداشاش هستن هیچی، ولی یکم قبل تر که خبری از این چیزا نبود آگه کسی می‌خواست خیلی تو چشم باشه و حسابی دیده بشه، باید می‌رفت تو تلویزیون یا سینما. کلا کیه که از دیده شدن خوشش نیاد؟ بچه و نوجوون و پیرپاتالم نداره، همه خوش شون میاد. من خودم آگه کوچک‌ترین فرصتی برای دیده شدن تو هر جایی رو به دست بیارم، به کمترین قیمت ممکن رفیق، دوست و آشنا رو می‌فروشم و هیچ کس رو نمی‌شناسم! والا کم الکی نیستش که (نمک پراکنی نویسنده!)

حالا با این که همه مون می‌دونیم چقد دیده شدن حال می‌ده و جلو دوربین رفتن عشق و صفای خاص خودشو داره، خودتو بذار جای نقش اول فیلم «رویای سینما» که به نوجوونه و برای بازی کردن تو به فیلم سینمایی خیلی درجه یک بهش پیشنهاد شده، ولی خب این قطعا همه ماجرا نیست و قرار نیست همه چی به همین راحتی به خوبی و خوشی تموم شه.

درواقع توی فیلم رویای سینما دوتا نوجوون داریم که باید برای به دست آوردن این نقش با هم دیگه رقابت کنن و حسابی تو سرو کله همدیگه بزن... ولی تا کجا قراره رقابت کنن؟ به چه قیمتی می‌خوان اون نقش رو به دست بیارن؟ چه سختی‌هایی برای گرفتن این نقش دارن؟ حالا تو این گیر و دار یکی از این نوجوونا بچه پولدار و ژینگول و پارتی کلفته ولی اون یکی نه!

اصن همین که یکی از شخصیت‌های فیلم از بچه‌های بالا هستش و اون یکی مال محله‌های زیر پونز شهر؛ یعنی از اول تا آخر فیلم قراره با هم رقابت کنن، یعنی کلا قرار نیست ما آروم و قرار داشته باشیم و همش منتظریم به اتفاق غیرمنتظره بیفته و تازه اینم بهتون بگم که آخر فیلم رونمی‌تونید پیش بینی کنید.

یه کم حجم‌کننده کاربردی



تا حالا سعی کردی بهترین خودت باشی؟ از اونایی که به روز به درد می‌خوره. چقد به کم حجم‌کننده‌ها ایمان داری! تا حالا کارت لنگ یه کم حجم‌کننده مونده؟! به نظرم چیزایی که می‌تونن حجم رو کم کنن خیلی جذابن. حالا حجم چی مهم نیست، فقط حجمو کم کنن! حالا یکی حجم چربیاشو دوس داره کم کنه، یکی باید حجم صداشو بیاره پایین و یکیم ممکنه بخواد حجم درسایی که تو طول روز می‌خونه رو کم کنه.

چند وقت پیش باید برای به جای خیلی مهم چندتا فایل پی دی اف می‌فرستادم ولی متاسفانه حجم فایلای من خیلی بیشتر از چیزی بود که از طریق اون سایت می‌تونستم بفرستم! یعنی دقیقا آدم هر وقت عجله داره یا به کار خیلی مهم داره که آگه مثلا انجام نشه از هستی ساقط میشه، همه کائنات دست به دست هم میدن تا تو دقیقا نتونی اون کارو انجام بدی و این قطعا به قانون نانوشته است! خلاصه که من و قتم داشت تموم میشد و هرکاری به ذهنم رسید انجام دادم تا بلکه به دونه از اون فایل‌ها فرستاده بشن ولی نشد که نشد! به عنوان آخرین تیر تفنگم رفتم و شروع کردم به گشتن برای به برنامه درست و درمون که بشه این پی دی اف‌ها رو حداقل کم حجمش کرد و از قضا به برنامه عالی پیدا کردم به اسم smallpdf

حالا نه این که این برنامه تنها برنامه توی کهکشان راه شیری باشه که این کارو انجام میده ولی به نظرم نسبت به حجم خود برنامه و رایگان بودنش امکانات خیلی خوبی داره که پیشنهاد می‌کنم حتما توی تلفنای همراحتون داشته باشید تا مواقع ضروری تا مرز تشنج پیش نرید!

یکی از این امکانات خوب اینه که وقتی می‌خواید فایل‌تونو کم حجم کنید به شما دوتا گزینه ارائه میده که یکیش تا ۴ درصد و اون یکی تا ۷ درصد حجم رو کم می‌کنه که البته توی دومی به مقدار افت کیفیت هم قطعا داره! در کل نرم‌افزاری کاربردی و نسبتا ضروری محسوب میشه مخصوصا تو این دوره زمونه که بیشتر کارمون توی فضای مجازیه و سرو کارمون با پی دی اف بیشتر هم شده.